

«مجمع تشخیص مصلحت»

می‌تواند در آن مجمع مطرح شود» (همانجا)
مقامات جمهوری اسلامی اظهار امیدواری کرده‌اند مجمع جدید که با حساب احمد خمینی، از ۱۲ آخوند، نخست‌وزیر و وزیر مربوطه تشکیل می‌شود، بن بست قانونگذاری او میان برود. هم در نامه مقامات درجه اول حکومتی به خلیفه چهارم، هم در حکم صادره از سوی خمینی در پاسخ این نامه و هم در موضعگیری‌های همه آخوندها و مکلامای رژیم، مبنای صدور «احکام حکومتی» یعنی قوانینی خارج از چارچوب قوانین اولیه اسلامی، «مصلحت نظام» بقیه در صفحه ۲

میرحسین موسوی نخست‌وزیر رژیم آخوندی در روز یکشنبه ۱۸ بهمن بدنبال انتشار حکم خمینی مبنی بر تشکیل «مجمع تشخیص مصلحت» برای صدور «حکم حکومتی»، اعلام کرد «بیژدی آئین نامه‌ای برای مجمع تشخیص احکام حکومتی تدوین خواهد شد که به‌تایید حضرت امام خواهد رسید» (کیهان ۱۸ بهمن). موسوی در مورد اختیارات «مجمع» جدید گفت در حکم خمینی «تنها روی اشکالات شرعی تکیه نشده بلکه اشکالات قانونی نیز مورد تأکید قرار گرفته و منظور مشکلاتی است که در رابطه با قانون اساسی پیدا می‌شود و فکر حضرت امام همین است که



دو شنبه ۲ اسفند ۱۳۶۶ - برابر ۲۲ فوریه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۶

جشن‌های گرامیداشت ۱۹ بهمن

عرصه پرشکوه اعلام همبستگی با رژیم و عزم فدائیان خلق

در این شماره به درج گزارش برگزاری جشن از چند کشور می‌پردازیم:

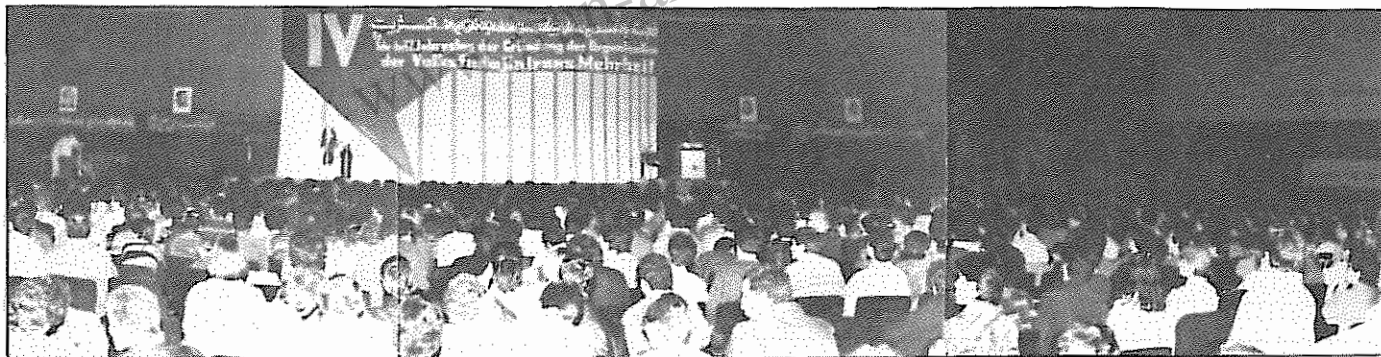
آلمان فدرال

روز ۲۴ بهمن انبوه عظیمی از ایرانیان، بیش از سه هزار نفر، در شهر دویسبورگ آلمان فدرال گرد آمدند تا همراه با فدائیان خلق مقدمین سالکنت ۱۹ بهمن را گرامی بدارند. آنان گرد آمدند تا یاد راه فدائیان را گرامی بدارند که سلاح جان برکف درفش نبرد، جسامی علیه ارتجاع و امپریالیسم را بر افراشتند آنان گرد آمدند تا خنجر خشم خویش علیه جمهوری اسلامی را صیقل دهند. بقیه در صفحه ۲

انسانها... در جایی خاموش کردن دستگاه ورودیدل تیرینی که خود تجدید بیامنی پرشکوه است و در مکانی دیگر گرد آمدن برای تجلیل از قهرمانی‌ها و حماسه‌ها از زبان رفقای پرتجر به‌تر درپوش جشن‌های خانوادگی...

در خارج از کشور نیز، امسال، فدائیان خلق در شهرها و کشورهای مختلف جهان، جشن و آذین سازمان خود را باشکوه هر چه بیشتر برگزار کردند. حضور گسترده هم میهنانمان در خارج از کشور و اعلام همبستگی گسترده و رزمجویانه نیروهای پیشرو و انقلابی جهان با فدائیان خلق شکوه غرور آفرین جشن را مبین بود.

هرخانه، هر واحد سازمانی، هر کارخانه، هر سلول شکنجه‌گاه، هر آنجایی که یک فدایی خلق حضور داشته باشد جشن ۱۹ بهمن، جشن گرامی‌سداشت سالروز بنیانگذاری سازمان حماسه و بیویابی نیز برپاست. بزرگداشت این روز بزرگ ایغجا و آشجار در شکل دگرگونی می‌یابد، اما همه جا پرشکوه است و فراموش ناشدنی. در جایی شکوه آن در شیرینی حبه‌فقدی تجلی می‌یابد که مدت‌ها پیش در فرصتی، مخفیانه از اطاق بازجو برداشته شده و برای برپایی جشن ۱۹ بهمن در سلول افرازی، حفظ گشته است و در جایی دیگر در بندهای عمومی، در شکوه همسانی حرکات ورزشی معینی، حرکت همایون، حرکت



نمایی از سالن محل جشن سالگرد بنیانگذاری سازمان در دویسبورگ - آلمان فدرال

نگاهی به چند و چون لایحه مالیاتها

مصوب سال ۴۵ - بهر ائب «قنی‌تر» است. گرچه قانون دوران ستمشاهی هنوز به لحاظ اجرائی، لغو نشده است. اما رژیم در صدد است قانون جدید را جایگزین آن سازد.

علت تمایل به تغییر ساختار مالیاتی

توجه‌اکید رژیم به مالیات‌ها به سال ۶۲ برمی‌گردد توجه رژیم به سیاست مالیاتی و تغییر ساختار مالیاتی کشور، با دور جدید و شدید بحران اقتصادی رابطه‌ای عمیق دارد. دور جدید بحران اقتصادی کشور در سال ۶۲ آغاز شد، ولی نشانه‌های بارز وقوع آن در سال ۶۲ هویدا گشت. رژیم از نعمات درآمد ارزی سرشار سال‌های ۶۲ - ۶۱ سرمست بود، که بهای نفت به یکباره سیر نزولی خود را آغاز کرد. کاهش

بقیه در صفحه ۶

مردم رنج‌دیده میهن، آفانی که از برکت وجود رژیم فقها، جز فقر و محرومیت نصیبی ندارند، بدرستی نام وزارت اقتصاد و دارائی را، «وزارت اقتصاد داراها» نهاده‌اند. چه این وزارتخانه همپا و همکام با دیگر نهادهای حکومتی در کار «تعالی» بخشیدن و به «کمال» رسانیدن رنج‌نامه زندگی توده‌های میهن بوده است و سرمایه سالاری و زران‌دوری بی‌کران را به بهای ورشکستگی و فقر و فاقه زحمتکشان، پاس داشته است. اینک از این باغ، بردیگری می‌رسد و آن هم لایحه جدید مالیات‌هاست. لایحه مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، هفت‌هاست که در مجلس شورای اسلامی، در دستور کار قرار دارد. لایحه جدید مالیات‌ها ۲۷۲ ماده و ۵ باب دارد که از حیث دایره شمول از قانون مالیات‌های پیشین که در حکومت ستمشاهی به تصویب رسید - قانون مالیات‌ها،

در این شماره

● گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره سرکوب اقلیت‌های مذهبی در ایران
در صفحه ۲

● آی تو ماج، خون‌سرازه...

در صفحه آخر

● تاریخ نویسی به سبک آخوندی

در صفحه ۹

● آموزش لنین

درباره انتقاد، انتقاد از خود و علینیت

در صفحه ۸

“مجمع تشخیص مصلحت”

بقیه از صفحه اول
اعلام شده است. این، اعترافی است به اینکه قوانین اسلامی نمی‌تواند پاسخگوی ضروریات اداره جامعه سرمایه‌دار، باشد.

خمینی پیش از آنکه بر مسند حکومت تکیه بزند، در کتاب “ولایت فقیه” نوشت: “... حکومت اسلامی -حکومت قانون الهی بر مردم است- فرق اساسی حکومت اسلامی با -حکومت‌های مشروطه سلطنتی و جمهوری در این است- در این که نمایندگان مردم یا شاه در اینگونه رژیم‌ها به قانونگذاری می‌پردازند در صورتیکه قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است. شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است. هیچ کس حق قانونگذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به‌مورد اجرا گذاشت.” خمینی در آن زمان او این هم فراتر رفت و افزود: “بهمین سبب در حکومت اسلامی به‌جای مجلس قانونگذاری... مجلس پرشماره ریوی وجود دارد که برای وزارتخانه‌های مختلف در برتر احکام اسلام برنامه‌ها ترتیب می‌دهد.”

بنابراین در طرح اولیه حکومت اسلامی خمینی، خارج از چارچوب “قانون الهی” نه جایی برای قانون هست و نه قوه مقننه پیش‌بینی شده است. خمینی در همان کتاب، منظور خود از قانون الهی را به صراحت نوشته است: “حکومت کنندگان... مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم وسنت رسول اکرم (ص) معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود.” ضروریات زمان و مصلحت‌ها، حکومت کردن، اجازه نداد تا طرح کامل حکومت اسلامی همانگونه که در کتاب “ولایت فقیه” ترسیم شده بود، بی‌کم و کاست اجرا شود، و گرنه به‌قول یکی از آخوندهای مجلس خبرگان سال ۵۸، در اسلام نه‌خبری از جمهوری هست و نه از پارلمان، اسلام تنها یک خلیفه دارد، یک شمس وزیر و یک قمر وزیر. تز ولایت فقیه بر این ادعا استوار بوده است که “احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی، هر چه بشر نیاز دارد فراهم آمده است...” (از کتاب ولایت فقیه) اینک ورشکستگی این تز مورد

اذعان خود خمینی نیز قرار می‌گیرد. “مجمع تشخیص مصلحت” تشکیل می‌شود تا هر جا منفعت حکومت فقها اینجا باشد، “حکم حکومتی” جای فقه را بگیرد.

خمینی برای شکستن بن‌بست قانونگذاری، به “حکم حکومتی” متوسل شد. از آخوندهای حکومتی، کسی جرأت نکرد بر این توجیه شرعی “اشکال‌کنند” و دستور خمینی “مورد اتفاق نظر صاحب نظران قرار گرفت” (او نامه موسوی اردبیلی، خامنه‌ای، احمد خمینی، موسوی و رفسنجانی به خمینی) اما کشمکش‌های میان آخوندها در مورد سیاست اقتصاد، حکومت با این تدبیر پایان نمی‌پذیرد، بلکه تقه‌ها بیش از پیش به عرصه بیست و جدل درباره “مصلحت نظام اسلامی” کشانده می‌شود. نخستین نشانه‌ها، حاکی از آن است که مدافعان پروپا و قرص “فقه سنتی” قصد ندارند عرصه جدید را در بست در اختیار رقبا بگذارند. خزعلی از آخوندهای شورا، تکبیران و یکی از سردمداران “رسالتی‌ها، پس از صدور فرمان -تدبیر خمینی گفت حکم خمینی “گره مشکلات حکومتی را بازمی‌کند و باید قدر این را بدانیم که حکومت بدست اهلس اقتاد...” (رسالت ۲۱ بهمن) عسکر اولاد، چهره دیگر جناح مدافع بی قید و شرط بازار، حکم خمینی را حاوی “غایب افتخار به فقهای شورا، تکبیران و عمده مسئولان نظام” دانست و افزود خمینی با حکم خود تایید کرده است “عدم توافق مجلس شورای اسلامی و شورای تکبیران از روی دقت شرعی و قانونی بوده است” (رسالت ۱۹ بهمن). در مجموع، جناح “فقه سنتی” کوشید “صلاحیت” خود را در تشخیص “مصلحت” مورد تاکید قرار دهد. سرمقاله‌های روزنامه رسالت به قلم آخوند آذری، قعی، حاوی استقبال از حکم اخیر خمینی و دعوت به “وحدت” است.

فرمان اخیر خمینی، شیوه استدلال آخوندها در دفاع از مواضعشان در زمینه سیاست‌های حکومت در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه عرصه اقتصادی را تغییر داده است، اما نمی‌تواند و نخواهد توانست به‌خود بحران در حکومت که ریشه در تنوع منافع معین اقتصادی و سیاسی گروه‌بندی‌های مختلف درون رژیم و

مهمتر از آن، در تقابل کامل خواست‌ها و نیازهای مردم با خود رژیم دارد، پایان دهد.

بحران ادامه خواهد یافت و تشدید خواهد شد. خود “مجمع تشخیص مصلحت” نیز به عرصه‌ای برای کشمکش‌ها به مثابه تزلزلی بحران، تبدیل خواهد گشت.

روزنامه رسالت در صفحه اول شماره ۱۸ بهمن خود، عکس اعضای “مجمع تشخیص مصلحت در احکام حکومتی” را چاپ کرده است. از راست به چپ:

خامنه‌ای، رفسنجانی، اردبیلی، خوئی‌ها، میر حسینی موسوی، صافی، امامی کاشانی، خزعلی، جنتی، کیلانی، مومن، توسلی.

اعضای “مجمع تشخیص مصلحت در احکام حکومتی”



گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره سرکوب اقلیت‌های مذهبی در ایران

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو گزارشی در مورد نقض آزادی عقیده مذهبی در سراسر جهان انتشار داده است. در این گزارش، اعدام و ابستکان به اقلیت‌های بهایی در ایران به‌عنوان خشن‌ترین نوع سرکوب اقلیت‌ها، مذهبی ثبت شده است. این گزارش حاکی است از هنگام به قدرت رسیدن فقها در ایران، ۲۰۰ بهایی تنها به علت مذهب خود اعدام شده‌اند. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، جمهوری اسلامی را به‌عنوان نقض‌کننده آزادی عقیده مذهبی، مصرح در بیانیه حقوق بشر، محکوم کرد.

تصحیح و پوزش

در شماره گذشته نشریه در صفحه اول، شماره نشریه بجای ۱۹۵ اشتباهاً ۱۹۶ درج شده است که ضمن پوزش تصحیح می‌گردد.

تورگورت اوزال روز ۹ اسفند وارد تهران می‌شود

مفته گذاشته ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در راس یک هیات سیاسی و اقتصادی وارد آنکارا شد. هیات نمایندگی جمهوری اسلامی طی اقامت سه روزه در آنکارا، دیدارهایی با رئیس مجلس، نخست وزیر، وزیر امور خارجه و وزیر مشاور در امور اقتصادی ترکیه انجام داد.

در آستانه سفر ولایتی به ترکیه برخی از مطبوعات این کشور اعلام کردند که موضوع تدارک مقدمات انعقاد قرارداد احداث خطلوله انتقال نفت اهواز به کرانه مدیترانه ای خاک ترکیه، سفر آتی تورگورت اوزال به تهران، مسایل مربوط به جنگ ایران و عراق، بحران خلیج فارس و مشکلات موجود در روابط تجاری ترکیه و ایران در دستور مذاکرات هیات سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی با مقامات آنکارا می‌باشد.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در بازگشت از ترکیه طی یک مصاحبه رادیو تلویزیونی با خبرگزاری جمهوری اسلامی، ضمن تأیید مطالب منتشره از سوی مطبوعات ترکیه، اظهار کرد که مناسبات اقتصادی بین دو کشور طی هشت سال گذشته رو به پیشرفت بوده و هم اکنون ترکیه سومین شریک ایران به حساب می‌آید. ولایتی در مورد پروتکل ۴ میلیارد دلاری احداث خطلوله نفتی توضیح داد که در این زمینه در آنکارا مذاکرات صورت گرفت و تصویب نهایی مذاکرات و قراردادها به دیدار نخست وزیران دو کشور در تهران موکول نگردید. وی نقش میانجیگری اوزال را در جنگ ایران و عراق تکلیف کرد و آن را تبلیغات مطبوعات خارجی خواند.

مطابق گزارش مطبوعات جمهوری اسلامی قرار است اوزال روز ۹ اسفند وارد تهران شود. مقصد بعدی اوزال، بغداد و دیدار با صدام حسین است. اوزال قبلاً اعلام کرده بود که مسئله دادوستد ایران و ترکیه یکی از مسایل مورد مذاکره وی با مقامات تهران است.

حجم مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه که در سال ۸۷ در آنکارا به امضا رسید ۲ میلیارد دلار بیش از پیشین بوده. گزارشها منتشره حاکی است که علیرغم تلاشهای جمهوری اسلامی ارزش مبادلات تهران و آنکارا در یازده ماهه سال گذشته پایین تر از ۱/۲ میلیارد دلار بوده است. طبق این قرارداد می‌بایستی ترکیه حدود پانصد میلیون دلار کالای غیرنفتی از ایران خریداری کند. حال آن که همین مبلغ یادشده نیز بصورت یکطرفه و از طریق صدور فرآورده صنعتی و کالاهای ترکیه به تهران و صدور حجم عظیمی از نفت خام ایران به ترکیه تأمین شده است. ترکیه علیرغم قرارداد امضا شده از خرید مواد غیرنفتی خودداری می‌کند و هم اکنون بخشی از مشکلات تجاری، موجود ناشی از همین اقدام آنکارا است. بنا به اظهارنوی وزیر صنایع سنگین و مینرگسترش روابط با ترکیه، سال گذشته این کشور کمتر از ۵ درصد تعهد خود کالای غیرنفتی از ایران خریداری کرد.

بهاران هوایی تلافی جویانه

حوالی شیراز و منابع نفتی "امام حسن" از جمله مناطقی بودند که در جریان حمله هدف بمباران قرار گرفتند و شدیداً آسیب دیدند.

جمهوری اسلامی ضمن تأیید گزارش حمله جنگنده‌های عراقی به مجتمع صنعتی شیراز اعلام داشت که در یورش هواپیماها به منطقه "امام حسن"، ۱۲ تن کشته و عده‌ای مجروح شده‌اند.

گزارشهای منتشره از سوی ایران حاکی است که درگیری‌های زمینی در هفته گذشته در منطقه جبهه میانی در استان دهرک عراق بوده است.

خبرگزاری جمهوری اسلامی سه شنبه هفته گذشته به نقل از اطلاعات ارتش اعلام کرد که به تلافی حملات عراق به شهرهای مسکونی ایران در استان فارس، کارخانه پتروشیمی بصره توسط نیروی هوایی ایران بمباران شد.

پیش از بمباران بصره، خبرگزاری رویتر با استناد به اظهارات سخنگوی نظامی عراق گزارش داده بود که جنگنده بمب افکن‌های عراق تاسیسات صنعتی و مراکز نفتی ایران واقع در استان فارس و خوزستان را بمباران کرده‌اند. مجتمع تولید ابزارهای الکترونیک واقع در

خامنه‌ای به ریاست مجمع "تشخیص مصلحت نظام اسلامی" برگزیده شد

مدیوناتی که مجلس اجرای آنها را مصلحت بدانند، در صورت مخالفت و عدم تأیید شورای نگهبان، توسط مجمع تصمیم به اجرای آنها گرفته خواهد شد، "و لویاتیکه فترات شورای نگهبان تأمین نشود."

در این زمینه هاشمی رفسنجانی در جلسه روز یکشنبه ۲۵ بهمن گفت: "آقایان توجه نمایند که از این به بعد چنانچه ما لویات را فرستادیم به شورای نگهبان و شورای نگهبان آن را کافی ندانست این دیگر به مجلس بر نمی‌گردد مگر اینکه مسئله جزئی باشد که رئیس مجلس در شورای نگهبان تقاضا داشته باشند و این قابل رفع است و این می‌رود به مرجع تشخیص مصالح حکومتی و آنجا تصمیم گرفته می‌شود. بنابراین اینطور نیست که برود و برگردد. ما این حالت را دیگر نخواهیم داشت."

موسوی خویی‌نی‌ها در ادامه سخنان خود به توضیح جزئیات آئین‌نامه مجمع پرداخت اما به علت محرمانه بودن مذاکرات و ضبط سخنان اعضای مجمع اشاره‌ای نکرد.

"مجمع تشخیص مصلحت نظامی اسلامی" روز شنبه ۱۷ بهمن به دستور خمینی و در پی درخواست موسوی اردبیلی، خامنه‌ای، احمد خمینی، میرحسین موسوی و هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. علاوه بر نامبردگان، تسلی مسئول دفتر خمینی و ۶ تن از فقهای عضو شورای نگهبان، عضو این مجمع هستند.

بنا بر گزارشهای دولتی سپرده تن در ماه گذشته اعدام شده‌اند

حاکمی است که در جریان انفجار یک بمب در تهران که داخل اتومبیلی جاسازی شده بود، ده تن زخمی شدند. براساس گزارش همین منبع، طی دو ماه گذشته ۷ تن در تهران و شهرستان‌ها اعدام شده‌اند. مجازات آقان جاسوسی برای عراق بوده است. این گزارش از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی تأیید شده است.

شورای عالی قضایی حکم قصاص ۸ تن را نیز که از سوی دادگاههای رژیم اسلامی محکوم شده‌اند، تنفیذ کرده است.

گزارش مصوبات اولین نشست "مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی" که بعد از ظهر روز شنبه ۲۴ بهمن ماه در محل دفتر ریاست جمهوری برگزار شد، توسط موسوی خویی‌نی دادستان کل کشور و عضو مجمع در اختیار مطبوعات قرار گرفت.

بنا به توضیحات موسوی، خویی‌نی‌ها، در این نشست آئین‌نامه مجمع شامل، محل، تعداد و زمان تشکیل جلسات، چگونگی بررسی لویاتی که پس از تصویب مجلس در شورای نگهبان رد می‌شود، تعداد لازم برای رسمیت یافتن جلسات تصویب شد و خامنه‌ای رئیس جمهور به عنوان رئیس مجمع انتخاب گردید.

بر اساس آئین‌نامه تصویبی، تنها مصوبات مجمع در روزنامه دولتی منتشر خواهد شد و از انتشار مذاکرات درون مجمع جلوگیری به عمل خواهد آمد. مشروح مذاکرات ضبط شده و به عنوان اسناد محرمانه نگهداری خواهد شد.

همچنین دبیرخانه‌ای زیر نظر خامنه‌ای به عنوان رئیس مجمع تشکیل می‌شود که جلسات آن با حضور ۹ نفر از اعضای رسیت خواهد داشت و تصمیمات با رای اکثریت حاضر، به تصویب خواهد رسید. بنا بر آئین‌نامه مجمع، جلسات دبیرخانه در محل دفتر ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. مطابق اظهارات دادستان کل رژیم، قواخبر و

بنا بر نوشته روزنامه کیهان، هفته گذشته ۶ تن در شهرستان خاش در ملامع اعدام شدند. حکم اعدام این عده از سوی دادگاه انقلاب ژامدان صادر شده بود. در گزارش کیهان گفته شده است این عده به جرایم مختلف از جمله اشداد چادها به صورت مسلحانه، به آتش کشیدن وسایل راهسازی جهادسازی و دیگر وسایل دولتی، جاسوسی برای عراق، همکاری با یکی از گروههای سیاسی اعدام گردیدند.

گزارش دیگری به نقل از خبرگزاری رویتر

چرخ کارخانجات خوزستان از کار می ایستد

* بر اثر بحران اقتصادی و بمباران های متعدد مناطق مختلف خوزستان، بسیاری از کارخانجات این استان تعطیل شده اند. کارخانه کافتسازی پارس هفت تپه که ۷۵ درصد تولید داخلی را تامین می کرد، در حال حاضر هیچگونه تولیدی ندارد و چون ماشین های آن قدیمی است، قادر به تهیه لوازم یدکی آن نیستند. هم اکنون کارگران این کارخانه را بصورت ۷۰ درصدی گروه بندی کرده اند. بدین معنا که ۷۰ درصد کارگران رابه خانه ها خود فرستاده اند و ۳۰ درصد بقیه هم که ظاهرا مشغولند، درواقع به نقافت کارخانه مشغولند، و ۷۰ درصد حقوق خود را دریافت می کنند.

* طرح نیشکر که دارای نزدیک به ۷۰۰۰ کارگر است تا سه ماه پیش در نتیجه بمباران هوایی میچ تولیدی نداشت، تاؤکی ها یکی از آسیابهای آنرا بکار گرفته اند. به خاطر جلوگیری از فساد شدن نیشکر بر روی زمین است، نیشکر را درومی کنند سپس به دور می ریزند. ویرا کارخانه قادر به استفاده از این نیشکر نیست.

* کشت و صنعت کارون - شوشتر با حدود ۷۰۰۰

کارگر تقریبا تعطیل شده است. کارخانه قند ذوقول و بسیاری از کارخانجات دیگر مانند کارخانه نورد ولوله سازی اهواز هم وضعیت مشابهی دارند.

جرم کرد بودن

چندی پیش در چهار راه شیمی شهر اهواز جوانی به دستفروشی مشغول بود. ماموران کمیته وقتی شنیدند وی لجه کردی دارد به او حمله کردند و بساطش را بزم ریختند. این حادثه موجب خشم مردم در محل شد. پیرمردی از جوان پرسید چه کار کرده ای؟ جرم چیست؟ او گفت اولین جرم من کرد بودن است. دومین جرم اینست که جاتی فیستم. می شوامم کار کنم و شکم خافواده ام را سیر کنم. ماموران که از این گفته ها خشمگین شده بودند مجددا به او حمله ور شدند و به وی اجازه صحبت ندادند. مردم به این برخورد اعتراض کردند و به جانبداران از جوان کرد پرداختند. کمیته چی ها بر اثر اعتراض مردم دست از سر او برداشتند.

سپاه کاری

در ساره خفاهی که حدود ۲۲ سال داشت در برابر یکی از تارازهای مسافری به واکسن زنی اشغال داشت. او کفش های قهوه ای یک مشتری را واکس می زد. پس از اتمام کار مشتری به وی اعتراض کرد و گفت واکس تیره بود. کفش هایم را سیاه کردی. واکسی یا سخ داد جمهوری اسلامی ۴۵ میلیون نفر را سیاه کرد. هیچکس اعتراض نمی کند. حالا یک جفت کفش سیاه شد اعتراض می کنید! یکی از عمال رژیم در آن حوالی که این گفت و شنود را شنید به فحاشی علیه واکس برداشت و گفت دیگر نباید در

اینجا کار کنی! عده ای از مردم دور آنها حلقه زدند و چوبی ماجرا شدند. واکس گفت این برادرمی گوید بیز اوقتی جمهوری اسلامی همه مردم را سیاه می کنند تو فقط یک جفت کفش را سیاه کرده ای. و به همین علت مانده کسب و کار من شده است. من کارگر اخراجی شرکت کابل سازی ساره هستم. مدتی پیش اخراج شده ام. بناچار برای گذران زندگی به واکس زدن روی آورده ام. حالام توسط برادران حزب الهی اخراج می شوم!

در استان بوشهر عده ای در جریان سیل کشته شدند

بارندگیهای شدید مخته گذشته در استانهای شرقی، جنوبی و مرکزی کشور به جاری شدن سیل در این مناطق و از جمله فیشاپور و استان بوشهر منجر شد. در شهر فیشاپور چغند صد واحد مسکونی آسیب دید و دهها راس از احشام روستائیان تلف شدند. در مناطق جنوبی کشور نیز ارتباط گناوه و براؤجان قطعه شد و بیش از ده روستای این منطقه در محاصره سیل قرار گرفت. در روستای عباسی از توابع

شهرستان گناوه شدت جریان آب علاوه بر ایجاد خسارات سنگین مالی، چندین کشته بر جای گذاشت. در گزارشهای دولتی تعداد کشته شدگان ذکر نشده است.

در تهران به علت بارش برف سنگین مدارس تعطیل شدند و علیرقم تعطیلی مدارس در خیابانها طول صف های مسافری چشم انتظار اتوبوس از فیم کیلومتر بیشتر بود.



مردم و خانواده های زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی در دل مردم جای دارند. دیر نخواهد بود که شعار آزادی زندانی سیاسی بار دیگر شعار طغیان افکن در کوچه و خیابان گردد. تلقی مردم از زندانیان سیاسی در برخورد آنها با خانواده های زندانیان سیاسی نیز بازتاب دارد برخوردی، توأم با همدردی و ادای احترام. نمونه های زیر کویای این واقعیتند.

- همسر یکی فدایی خلق که زندانی است. برای گرفتن فتوکپی از نامه همسرش به یک عکاسی مراجعه کرد. وقتی عکاس عنوان نامه را که از زندان اوین ارسال شده بود خواند، مراتب همدردی و احترام خود را ابراز نمود. پس از آن وی برای خریدن یک نوع صابون طبی کمیاب برای رفیق زندانی که از بیماری پوستی رنج می برد به داروخانه ای مراجعه کرد. در داروخانه نیز علت خریدن چنین صابونی را عنوان کرد. کارکنان داروخانه ضمن برخورد جانبدارانه، صابون مورد نیاز را به وضاحت تهیه کرده و بوی دادند.

- همسر یک زندانی سیاسی جهت ثبت نام کودکان به یک مهد کودک مراجعه کرد. وی ابتدا جواب منفی شنید. اما بعد از آنکه گفت همسرش زندانی سیاسی است و خودش شاغل است، فرزندش را با روی باز پذیرفتند.

- همکاران همسر یک فدایی در پند که هر از گاهی به ملاقات همسرش می رفت، کارت وی را تاریخ می زدند تا غیبت نخورد.

- یک راننده تاکسی که خانواده یکی از زندانیان سیاسی را جهت ملاقات به زندان می برد، ضمن ابراز احترام فراوان آنها را به محل رسانید و اصرار کرد که تا زمان بازگشت از ملاقات در انتظارشان بماند.

- پیرمردی در یکی از وصف های اروق عمومی، از تخصص خانواده های زندانیان سیاسی در تهران سخن می گفت. ارفعوان می کرد که هر زن و مرد با قیوتی حتی اگر خودش زندانی سیاسی قد داشته باشد باید از تخصص خانواده های زندانیان سیاسی استقبال کرده و با آنها اعلام همبستگی کند.

پای صحبت چغند کارگر

کارگری می گفت شاخواهده ام سه ماه است که گوشت نخورده اند. اما جمهوری اسلامی امروز مرا مجبور کرد که صد تومان به اسرائیل کمک کنم. چون این پولها صرف خرید اسلحه و مواد شیمیایی از اسرائیل می شود تا با آن در جبهه آمدها کشته شوند. پس در واقع من به اسرائیل کمک کرده ام.

کارگر دیگری در همین رابطه به طغی می گفت ساله ای نیست، پولی که از بابت سمیه ففت به خانواده ما می دهند آنقدر زیاد است که صد تومان در مقابل آن ارزشی ندارد. ما گوشت اضافی را از بیخجال مایمان بیزرو می ربویم!

یک راننده جرثقیل اظهار می کرد من از این جرثقیل و بیاد کارشی کشم تا فرسوده نشود چون در حال های آیفده می شوامم توسط همین جرثقیل چغند آخوفد رابه سزای اعمالشان برسامم.

بقیه از صفحه اول

بهای نفت بکوفه ای سریع و شدید بود که تمامی پایه ها و محورهای اقتصادی کشور را به لرزش انداخت. بهای هر بشکه نفت به زیر ۱۰ دلار رسید و درآمد رژیم از بابت فروش هر بشکه نفت، بعلت تقبیل هزینه های، کزاف بیمه و... از آفتم کمتر شد. حملات هوایی عراق به تاسیسات نفتی و مبادی صادراتی نفت کشور، بدانجا منجر گردید که توان صادراتی نفت جمهوری اسلامی تا به نصف ظرفیت مجاز-اژ سوی، اوپک-تغزل یافت و در بهترین حالت، هرگز به حد سهمیه مجاز نرسید. اژ سوی دیگر، نرخ برابر، دلار نیز در برابر ارزهای قوی، جهان کاهش یافت و این نیز در کاهش هرچه بیشتر درآمد ارزی، رژیم موثر افتاد. چنین شد که درآمد ارزی، کشور در سال جاری و دو سال قبل در مقام مقایسه با درآمد ارزی، منگفت سال ۶۲-۶۱ به پییزی، حدود یک چهارم کاهش یافت.

نگاهی به چند و چون لایحه مالیاتها

رژیم در عرصه اخذ مالیاتها تاکنون چون گواه بی بدیلی ثابت می کند که حتی همین موادسیاست جدید مالیاتی، پیش از آنکه صاحبان درآمدهای کلان را تهدید کند، متوجه توده های زحمتکش و اقشارمیانی جامعه است. چه صاحبان سودهای افسانه ای هم خود با قدرت حکومتی در آمیخته اند و هم "راه" گریز از پرداخت مالیاتها را در اختیار دارند. اژ سوی دیگر افزایش مالیات صاحبان مشاغل و در حالت عمومی تجار و تولیدکنندگان اصلی، به خود، خود باعث آن می گردد که اینان مالیات پرداختی را بر بهای کالاها بیافزایند و بدین ترتیب باز این مصرف کنندگان خواهند بود که مالیات مستقیم را به شکل مالیات غیر مستقیم پرداخت خواهند کرد.

نزدیک به ۷ برابر میزان مالیاتها در سال ۵۹ رسیده است. همانگونه که از جدول شماره یک نیز برمی آید، میزان مالیاتهای غیرمستقیم اژ سال ۶۱ به این سو، همواره از مالیاتهای مستقیم بیشتر بوده است و این خود نمادی از "عدالت واقعی مالیات اسلامی" است.

درآمدهاست و با عنایت به تسولاتی که در قیمت نفت و ارزش دلار بوجود آمده، تغییر در ساختار مالیاتی کشور را طلب می کند. زیرا ما در حال حاضر مشاهده می کنیم که میزان کسر بودجه سال به سال رو به افزایش است. (رساله ۲ بهمین)

سیاست مالیاتی و

درآمد مالیاتی

لایحه جدید مالیاتی، با توجه به مالیاتهای مستقیم، در ظاهر برابر جامعه عمل پوشانیدن بر همان عدالت مالیاتی کلائی و در واقع برای تخفیف کسر بودجه هنگفت دولت مورد بررسی و رسیدگی در مجلس شورای اسلامی است. رژیم متوجه شده است که برای تامین هزینه های، هنگفت نظامی و انتظامی خود، برای تامین هزینه های، هنگفت دستگاه طویل و عریض اداری، باید میزان اخذ مالیات را بازم افزایش داده و در عرصه مالیاتهای مستقیم نیز، فعال شود. مالیات پردرآمد، مالیات بر دارایی ها، مالیات بر ارزش افزوده بخشهای مختلف اقتصاد، مالیات بر ابروت، مالیات بر زمینهای بایر و شاقه های، خالی و... اژ جمله دهمای موادی است که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است. کارکرد

بدینگونه روشن می شود که علت واقعی روی آوردن حکومت به ساختار جدید مالیاتی، در کردوخاک تباغیاتی پیرامون "عدالت مالیاتی"، همانا کسر درآمد هنگفت دولت است.

سیاست مالیاتی رژیم

به زبان آمار

همانگونه که ذکر شد، "سیاست مالیاتی"، "ساختار مالیاتی" و "عدالت مالیاتی"، رژیم بستگی تام به وضع درآمدی آن دارد و "عدالت مالیاتی" رژیم در واقع محصول بتران حاد اقتصادی است. در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است که میزان مالیات گیری رژیم اژ سال ۶۰ همواره در حال افزایش بوده و در سال ۶۲ بیش از ۲ برابر سال ۵۹ شده است. در سال ۶۴ میزان مالیاتها به رقم بی سابقه ۱۱۲ میلیارد ریال رسید و میزان مالیاتها در سال ۶۶ به ۲۲۰ میلیارد ریال بالغ شد. براین اساس میزان مالیاتها در سال ۶۶ به رقمی

صاحبان سرمایه های کلان، حتی به اعتراف خود مسئولین و دست اندرکاران رژیم، همواره اژ پرداخت مالیات سرباز زده اند. کیهان ۱۲ بهمین در گزارشی پیرامون

جدول شماره ۲

مقایسه مالیاتهای دریافتی با نقدینگی بخش خصوصی (۶۶-۵۸) (واحد میلیاردریال)

سال	میزان مالیاتها	نقدینگی بخش خصوصی
۵۸	۲۷۰	۳۵۵۰
۶۰	۴۵۰	۵۱۱۱
۶۲	۷۹۷	۷۵۱۴
۶۴	۱۱۲۰	۹۰۰۲
۶۵	-	۱۰۲۲۹
۶۶	۲۲۰۰	۱۱۰۰۰

جدول شماره ۱ - میزان مالیات

دریافتی سالهای ۶۶-۵۷ (واحد میلیاردریال)

سال	مالیاتهای مستقیم	مالیاتهای غیرمستقیم	مجموع مالیاتها
۵۷	۲۷۰	۲۰۰	۴۷۰
۵۸	۲۲۰	۱۴۰	۳۷۰
۵۹	۱۲۰	۲۱۰	۳۴۰
۶۰	۲۲۰	۲۳۰	۴۵۰
۶۱	۲۹۰	۳۲۰	۶۱۰
۶۲	۲۲۷	۴۶۰	۷۹۷
۶۳	-	-	۸۷۲
۶۴	۵۱۷	۶۱۲	۱۱۲۰
۶۶	-	-	۲۲۰۰

لایحه جدید مالیاتها، فاش ساخت که سیاست اخذ ۱۰۰ میلیارد ریال مالیات از صاحبان درآمدهای کلان در سال ۶۴، اجرا نشد و در سال ۶۲ اژ ۱۵۰ میلیارد ریال مالیات پیش بینی شده در مورد صاحبان درآمدهای کلان، تنها ۲۵ میلیارد ریال وصول گردید. این درحالی است که بنابه اعتراف خود رژیم اژ جمله کارمندان آذربایجان غربی در سال ۶۲ بیش از تجار آن استان مالیات پرداخت کرده اند.

بقا به آمار دولتی، در سال ۶۲ ارزش افزوده بخش خدمات نزدیک به سه برابر بخش صنایع، بیش اژ سه برابر ارزش افزوده بخش معادن گروه نفت و بیش اژ ۴ برابر بخش کشاورزی بوده است. همان آمار دولتی درباره میزان اخذ مالیات از بقیه درصالحه ۱۰

ستون درآمدهای بودجه کشور شامل درآمدهای حاصل اژ صدور و فروش نفت، درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهاست. کاهش درآمد نفت ه تنها درآمدهای ارزی، بلکه درآمدهای ریالی دولت را نیز به شدت کاهش داد و تاثیر، مستقیم بر کاهش درآمدهای مالیاتی نهاد، چرا که بنا به اعتراف خود مسئولین رژیم ۹۰ درصد درآمدهای دولت، وابسته به درآمدهای قاشی اژ صدور نفت است. رژیم که با کسر بودجه هنگفت مواجه گردید با روی آوردن به سیاست جدید مالیاتی کوشید، تا با سرنگ کردن بحران اقتصادی به مردم، کسری بودجه خود را تخفیف بدهد. کاهش عرصه های، معمول مالیات گیری، باعث آن گردید که به عرصه های، دیگر توجه ویژه ای شود. و این عرصه ها، تماما بردوش مردم سنگینی می کرد و صاحبان سرمایه ها، کلان باسودهای افسانه ای خود، اژ "غضب" حکام کماکان در امان ماندند.

محمدچواد ابیروانی، وزیر اقتصاد و دارایی رژیم، با وضوح تمام علت واقعی توجه رژیم به سیاست جدید مالیاتی را چنین اعتراف می کند، "با بررسی هائی که اژ وزارت امور اقتصاد و دارایی بعمل آمد، ظرفیت مالیاتی کشور را ما محاسبه کردیم و میزان ظرفیت مالیاتی کشور در سالهای، ۵۹ تا سال ۶۶ محاسبه شده و در سال ۶۶ حدود ۲۲۰۰ میلیارد ریال می باشد. اژ طرف دیگر وضعیت ساختار درآمدی دولت که درآمدهای دولت ناشی اژ درآمدهای مالیاتی و درآمدهای حاصل اژ نفت و سایر

بمناسبت سالگرد کشتار وحشیانه رهبران خلق ترکمن آی توماج، خونت شراره...



محمد واحدی هنوز با همه خطولش در ذهن یاران او و مردم ترکمن صحرانشین بسته است. مطلق قوی و آوازشی او، طواق راهب مبلغی توانا و چهره‌ای محبوب دهقانان ترکمن تبدیل کرده بود. خبر اعدام طواق فیروز همچون خبر شهادت یاران دیگرش آتش به جان مردمی افکند که پس از دهها سال ظلم و خودسری حکومت‌ها و ملاکین، برای مدت کوتاهی سرفروخت خود را بدست‌خویش گرفتند و تجربه‌ای گرانقدر از حکومت شورایی را اوست که را اندشد.

دژخیمان، قهرمانان خلق ترکمن، فدائیان خلق، توماج، مختوم، جرجانی و واحدی را به خاک افکندند. اما خون این دلیران، شراره‌ای است که به روز افتقام، هستی ستمگران را به خاکستر تبدیل خواهد کرد و راه خلق ترکمن را به سوی آینده‌ای بهتر، شکوفایی خواهد بخشید.

و حمتکشی در کفید منولد شد. از کودکی با فقر و محرومیت دست به کربیان بود. پس از گرفتن دیپلم متوسطه و سیری کردن دوره سربازی در سپاه دانش، به عنوان معلم در یکی از روستاهای شرق کهنه مشغول به کار شد. و با روستائیان زحمتکش رابطه بسیار نزدیکی برقرار کرد. مردم با او درد دل می‌کردند. شعله‌ای که در دل حکیم بود، بادیدن مصیبت‌های زندگی روستائیان، بیشتر گرفت و فرزان تر شد. با اوچ کیری انقلاب، حکیم در کنار توماج در ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرانشینیت‌های مهمی برعهده گرفت و تا لحظه شهادت، در شادوش یارانش در همین سنگر رزمید.

رفیق حسین جرجانی در سال ۱۳۲۰ در روستای محروم تاتار علیا متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در تاتار علیا و قوری‌چای در شراپه سخت معیشتی به پایان رساند و پس از اتمام دوره متوسطه در کهنه و تهران، در سال ۱۳۵۶ از انستیتو کشاورزی میدان فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۵۷ در مسافره زمینهای بزرگ مالکان و اموال آنان نقش فعالی ایفا کرد. در تشکیل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای فعالانه شرکت ورزید و در جهت برپایی و رهبری شوراهای و اتحادیه‌های روستایی ترکمن صحرانشین تلاش خستگی‌ناپذیری از خود نشان داد. میمای شریف و محبوب طواق

خلق ترکمن پس از انقلاب بهمین نقش تعیین کننده‌ای داشتند. رفیق توماج، از زندانیان سیاسی زمان شاه، با اوچ کیری جنبش توده‌ای به پی‌ریزی شوراهای دهقانی ترکمن صحرانشین گماشت. "ایل گویچی" فشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، در توصیف فعالیت آن زمان توماج می‌نویسد: "فیرویش چغدین برابر گذشته شده بود، استعدادایش گویی یکباره، شکوفان شده بود. وقتی می‌نستت تا برای کار شوراهای تصمیم بگیرد، دقیق‌ترین پیشنهادها را می‌داد. خواب و خوراک را خیلی وقت‌ها با فروشی کارها از یاد می‌برد. وقتی در خانه آن زمیندار ترکمن نشسته بودیم، با اشاره به قالی‌ها و اقپوه و سایل خافاش می‌گفت: "سالهای سال از دست‌ترج این مردم خورده‌ای و چاق شده‌ای. حالا باید حساب پس بدهی و در درجه اول، زمینهایی را که به تاحق از آنها گرفته‌ای." آن که در مقابلش نشسته بود، از ترس آنکه به این چشم‌ها نگاه کند، سرش را به زیر انداخته بود، و مرتب می‌گفت: "درست است، درست است" (ایل گویچی، شماره ۴، زمستان ۶۴) رفیق حکیم مختوم در خانواده

بقیه از صفحه آخر
من توماج، واحدی، مختوم و جرجانی را به کدام کچی؟" (شیخ صادق خلخال، به نقل از روزنامه "صبح آزادگان"، ۲۸ شهریور ۱۳۶۲)
این اعترافات، بعنوان سندی گویا در تاریخ ثبت شده است. دلنگ و جلال رژیم، که در سال ۵۸ می‌گفت: "گروههای مهاجم" به مؤذوران سپاه، رهبران خلق ترکمن را از چنگ پاسداران برده‌اند، پس از پنج سال رسا و علنا به جنایات خود اعتراف کرد و به گرفته‌ای سفیانه، نام هندستان خود را فیز لوداد.

کشتار وحشیانه رفقای فدایی، شیرمحمد درخشنده توماج، طواق محمد واحدی، حسین جرجانی و عبدالحکیم مختوم، مسئولان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرانشین، نقطه اوج جنایات حکومت آخوندی علیه خلق ترکمن بود. لشکرکشی رژیم به کفید بدنبال یورش به کردستان، بار دیگر نشان داد که حکومت غاصب دستاوردهای بهمین ۵۷ سازگاری، با خواسته‌های برحق خلقهای ستمدیده ایران ندارد و هرچا لازم باشد، در مقابل با جنابش مردم، شمشیر را از روی عبا می‌بگذرد.
چهار فدایی شهید، در سازماندهی و رهبری مبارزات درخشان

از زخم قلب، آبانی " احمد شاملو

دختران دست!	دختران روز	دختران رفت و آمد	دختران خوشونت نومی
دختران انتظار!	بی‌خستگی دریدن،	دردشت مه زده!	دربستر نشوده دلنگی
دختران امید تنگ	شب	دختران شرم	دربستر تنگر پرورد رازتان،
دردشت بی‌کوران،	سرشکستگی!	شبنم	تایاد آن - که خشم و جسامت بود -
و آرزوهای بیکران		افتادگی	بدرخشان
در خلق‌های تنگ!		رما!	تا دیرگاه شعله آتش را
دختران خیال آلاچق نو	درباغ راز و خلوت مرد کدام عشق -	از زخم قلب آبانی	در چشم بازتان؟
در آلاچق‌هایی که صدسال -	در رقص راهبان شکرانه کدام	دوسینه کدام شما خون چکیده است؟	□
از زره جامه‌تان اگر بشکوفید	آتش زدای کام		
باد دیوانه		پستان‌تان، کدام شما	
یال بلند اسب تما را	بازوان فواره‌نی‌تان را	گل داده در بهار بلوغش؟	بین شما کدام
آشفته کرد خواهد...	خواهید بفراشت؟	لب‌های‌تان کدام شما	- بگوئید! -
		لب‌های‌تان کدام	بین شما کدام
□	□	- بگوئید! -	صیقل می‌دهید.
دختران رود گل آورد!		در کام اوشکنه، نهان، عطر بوسه‌ئی؟	سلاح آبانی را
دختران هزار ستون شمله، به طاق بلند دود!	افسوس!		برای
دختران عشق‌های دور	موها، نگاه‌ها	شب‌های تاریک‌نم‌باران - که نیست کار -	روز
روز سکوت و کار	به عبت	اکنون کدام یک ز شما	انتقام؟
شب‌های خستگی!	عطر لغات شاعر را تاریک می‌کنند.	بیدار می‌مانید	ترکمن صحرانشین - اربعی غلی

آموزش لنین

درباره انتقاد، انتقاد از خود و علنیت

نوشته: لئونید ایپوتین

برگرفته از: هفته نامه "عصر جدید" شماره ۵ سال ۱۹۸۸

با تاریخ، به گونه‌های مختلفی می‌توان به‌سبب گفتن نشست. یک شکل این است؛ در اتاق مطالعه‌مان می‌نشینیم، در میان کتابها سیر تاریخ را بی‌می‌گیریم و رشته نامرئی پیوند میان رخدادها، مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را جستجو می‌کنیم. این گونه کاوش ذهنی تاریخ، این شکل مشاهده از دور، مختص تاریخ‌نگاران است. سیاستمداران به تاریخ نزدیک‌ترند. آنها درمی‌نگرند که چگونه واقعیت‌های شومین سربرمی‌آورند. آنها نورا، در میان زنجیره رنگارنگ حوادث باز می‌شناغند. رابطه سیاستمداران با تاریخ، رابطه‌ایست تنگاتنگ و در این میان هیچ‌کس همچون لنین، که از توانایی بازشناسی تکامل روند تاریخ در دل ساده‌ترین نمودهای زندگی برخوردار بود، تنگه در اغوش تاریخ نقشه و در چهره‌وی، ننگریسته است. برخورد انتقادی او به تاریخ، شامدی است بر این رابطه تنگاتنگ.

هنوز ضرورت و مفیدیت انتقاد، آنکوفه که شایسته و بایسته است، حتی امروز نیز بر همگان آشکار نشده. اگر به یاد آوریم جامعه آینده چگونه بی‌هیچ برخورد انتقادی، در آثار سوسیالیستهای تخیلی سعادتمند جلوه‌گر می‌شد، اگر به یاد آوریم که چه امیدهایی به هماهنگی نظر و عمل و حتمت‌شان در مبارزه برای سوسیالیسم بسته می‌شد، آنگاه در خواهیم یافت که موضوع انتقاد، که دولت جوان شوروی در زمان خود مطرح کرد، از چه خلصت تازه‌ای برخوردار بود.

عمل، خاستگاه طرح این مساله بود. حزب، در سال ۱۹۲۱ آن هنگام که جنگ داخلی پایان یافته و بیروزی انقلاب در سرتاسر کشور واقعیتی بی‌چون و چرا بود - گذار به دوره سیاست شومین اقتصادی (نپ) را اعلام کرد. این اقدام دشوار، مبتنی بر تصمیمی شجاعانه و بی سابقه بود. شه‌فقط بخشی از حتمت‌شان، بلکه حتی عده‌ای اوشخصیت‌های نام‌آور حزب نیز گذار به "نپ" را عقب نشینی از مواضعی می‌پنداشتند که انقلاب

فتح کرده بود. "نپ" را خیانت به انقلاب نیز نام نهادند. اما لنین آن هنگام خاطر نشان ساخت که وضعیت سیاسی و اقتصادی، ضرورت چنین اقدامی را ایجاب کرده است. لنین خود بر این نکته واقف بود که کلاسیکهای مارکسیسم در زمینه امکان برقراری سرمایه‌داری دولتی در شرایطی که قدرت سیاسی در چنگ برولتاریاست، سخنی ننگفته‌اند، چرا که کارشان پیشگویی کردن نبوده است. از همینجا می‌آموزیم که چگونه می‌بایست در شرایط مشخص با در نظر گرفتن الزامات لحظه، خود باید رشته ابتکار را به دست گرفته و به موقع عمل کنیم. در چنین هنگامی، انتقاد از خود از خود شکی ناپذیر، مهمترین ابزار کارما در دستیابی به هدف است. "اگر این گذار (گذار به نپ) موجب شکایت، زاری و ماتم، یاس و رنجش خاطر برخی‌کنان می‌شود، ما باید بدانان بگوییم: شکست به اندازه کردن نهادن به شکست و هراس از درس‌گیری از آن، خطرناک نیست... قدرت ما در این است و در این خواهد بود که ناخترین شکست‌ها را به خوشتردافه‌ترین وجه مورد ارزیابی قرار دهیم و از تجربه آنها به‌باموژیم که در فعالیت خود چه چیزی را باید تغییر دهیم. از اینروست که باید آشکار و آزاد، سخن بگوییم" این، کلام لنین است.

این‌موضوع اصولی - ضرورت پذیرش علنی و به موقع خطاها و به همین‌سان اهمیت بحث انتقادی حول هر اقدام و درس‌گیری از مجموعه تجربیات به دست آمده - "به‌ناگهان" در سال ۱۹۲۱ فرموله نشد. مبارزه حزب انقلابی برولتاریای روس، که به تواسا لنین بغیان گذاشته شده بود، از آغاز بر این مبنا بود. این اصول، اصول سازماندهی حزبی بودند که اکنون از سوی لنین در سازماندهی دولت سوسیالیستی معمول می‌شدند. لنین یک اثر ویژه‌تئوریک در زمینه انتقاد، به رشته تحریر درشیاورد. اما او در آثار متعددی به این موضوع پرداخته است که بر مبنای آنها می‌توان اصول برخورد انتقادی

لنین به امور حزبی و دولتی را فرموله کرد.

اصل نخست آزادی انتقاد است. به گفته لنین "وحدت عمل، آزادی بحث و انتقاد؛ تنها چنین دیسپلینی شایسته حزب دموکراتیک طبقه پیشرو است." تنها دموکراسی می‌تواند یکانگی دیالکتیکی "وحدت عمل" و "آزادی بحث و انتقاد" را برقرار کند. لنین به شدت مخالف هم‌الاعت کورکورانه و هم‌آوازی جسات بی‌بایان بود و بر دموکراسی تشکیلاتی پای می‌فشرد. "تشکیلاتی که فاقد محتوای ایدئولوژیک باشد، توخالی است... از اینرو برولتاریا وحدت عمل را جدا از آزادی بحث و انتقاد نمی‌داند." لنین این نکته را در سال ۱۹۰۶ خاطر نشان ساخت و مسلماً بی‌معنی خواهد بود اگر کمان کنیم این سخن برای ۸۰ سال بعد موضوعیت خود را از دست داده است. چه در آن هنگام وجه پس از آن دیسپلین و انتظام در انجام تصمیمات پذیرفته شده، آن زمان معنی و مفهوم می‌یافتند که بر روی تصمیمات، به‌اندازه کافی اندیشیده شده و بطور انتقادی بحث شده، و به عبارت دیگر این تصمیمات به صورت دموکراتیک اتخاذ شده بودند. در غیر این صورت، به گفته لنین، کسانی که دیسپلین را رعایت می‌کردند، به دنبال روی‌های صرف آتافی تبدیل می‌شدند که در رأس قدرت بودند.

"آزادی بحث و انتقاد" برای پیشرفت امروزین ما از یک اهمیت اساسی برخوردار است. تجربه به ما آموخته است، عدم توجه به این اصل چه پیامدهای فاجوار، تباهی‌آور و فساد برانگیزی می‌تواند برای جامعه داشته باشد. "تشکیلات بدون محتوای ایدئولوژیک" به تدریج به هرج و مرج و بی سازمانی تبدیل می‌شود و دیسپلینی که بر پایه مضمون ایدئولوژیک فبانتد افراد را به عناصری ظاهر ساز و فرمالیست‌هایی بی تفاوت تبدیل می‌کند. و به همین‌سان به تجربه آموخته‌ایم که سازمانیابی آگاهانه و بحث فعال و دموکراتیک بر روی هدفها و راههای پیشروی،

چه امکانات وسیعی را برای تشکیلات، فراهم می‌کند.

اصل دوم، انتقاد از خود مداوم است. انتقاد از خود داری دووجه است؛ یک‌وجه آن انتقاد از خود یک شخص معین در رابطه با خطاها و اشتباهاتی است که خود وی مرتکب گردیده و وجه دیگر انتقاد از خود یک سازمان، یک نهاد اجتماعی و یا کل جامعه است. لنین مصر بود که هر دو وجه انتقاد از خود در حزب و در حکومت، اعمال شود.

اودر مورد وجه اول نوشته است؛ "ضروری است که حزب همواره "حکمت" این بی‌آن رهبر را، حتی اگر جزئی هم باشد، متوجه گردد. سیر عمل هیچ رهبر سیاسی بدون این بی‌آن شکست نیست و اگر ما در این سخن جدی باشیم که می‌خواهیم در میان توده‌ها نفوذ کنیم و "حسن نیت" آلمان را به دست خود جلب کنیم، باید باتمام قوا در این زمینه بکوشیم که این شکست‌ها را لاپوشانی نکنیم... و به قضاوت امکان بگذاریم. این ممکن است در وهله نخست به نظر دردآور آید، ممکن است "آزادگی" این بی‌آن رهبر سیاسی جلوه کند، اما ما باید بر این احساس خطای دردآوری غلبه کنیم: این وتلیفه ما در قبال حزب و لبطقه کارگر است." به همین‌سان انتقاد از خود

تشکیلات حزبی و پذیرش شجاعانه و علنی خطاها از سوی آن، امری مهم است. لنین در سال ۱۹۱۲ نامهای به پرودا نوشت و در آن خواست نظر خطایی را که یک مقاله ابراز داشته بوده، تصحیح شده و موضوع در نشریه چاپ گردد. اودر این رابطه نوشت؛ "خطایی که تصحیح شود، دیگر خطا نیست. اما خطایی که تصحیح نشود، یک جراحت بدخیم است. در این حالت باید از این شجاعت برخوردار بود که زخم را به‌جا جراحی کرد." لنین بعداً نیز در سال ۱۹۱۷، در تحلیل وضعیت آن هنگام، در مقاله‌ای با عنوان "از یادداشتهای روزانه یک روزنامه‌نگار" نوشت؛ "خطای حزب ما آشکار است. یک حزب رزمنده... نباید از اشتباهات بترسد. آنچه که از آن باید ترسید پافشاری بروی اشتباهات و بر مبنای یک احساس غلط شرم، خودداری از پذیرش و تصحیح خطاهاست." این سخن بدان معنی است که هر چه شرایط حادثتر و پیچیده‌تر باشد، یک خطا به بهای بیشتری تمام می‌شود و برای اعتراف بدان و تصحیح آن، شجاعت بیشتری ضرورت می‌یابد.

تاریخ نویسی به سبک آخوندی

یکی از قلم به دستان رژیم در روزنامه دولتی کیهان طی سلسله مقالاتی به درج تاریخچه جنبش دانشجویی ایران پرداخته است. این نوشته نیز همچون دیگر تاریخ فکاریهایی که در جمهوری اسلامی صورت میگیرد سراسر کذب و تحریف آشکار واقعیت است. نویسنده در این تاریخچه کوشیده است در تصویر سیر عمومی جنبش دانشجویی و مبارزات درخشان آن علیه رژیم شاه هرچه بیشتر مبارزات نیروهای چپ و نقش رهبری آنان را مسکوت گذارده بر حضور و نقش افراد و نیروهای مذهبی و قشری تأکید ورزد. در آن مواردی که پیشبرد این امر با صراحت امکانپذیر نبوده است، تلاش شده است که بطور غیرمستقیم اهداف "تاریخ نگار" برآورده شود، بطور

نمونه زمانی که تاریخ نگار رژیم ولایت فقیه میخواند مبارزات دانشجویی پس از کودتای ۲۸ مرداد و واقعه ۱۶ آذر سال ۲۲ را بازتاب دهد این امر را از زبان چمران، همان فردی که مردم او را جلا دتل زعتر و جلا دلخق کرد می نامیدند بازگویی کند و ناگهان دانشجویان شهید واقعه دانشگاه از دوستان چمران از آب درمی آیند. در تاریخچه مزبور مندرج در کیهان ۱۰ بهمین آمده است،

"مقاومت گسترده دانشگاه پس از کودتای ۲۸ مرداد رژیم را بر آن داشت تا به نیت سرکوب نیروهای دانشجویی فاجعه ۱۶ آذر را طرحریزی کند. صبح روز ۱۶ آذر پس از تعویض کلیه سرباژان حاضر در دانشگاه ورود نظامیان جدید که اغلب از لشکر کیمانشاه بودند، دانشگاه های

پزشکی، داروسازی، حقوق و علوم مورد حمله قرار گرفتند و تعداد زیادی از دانشجویان و اساتید دستگیر شدند، مابقی چریان را از قول شهید چمران قتل می کنیم، ... صدای رگبار مسلسل در گوش لطیفین می اندازد. سکوت موحش بعد از رگبار بدش را می لرزاند... دانشجویان بی انداز آرم و هوشیار بودند که به میچ وجه بیانه ای بدست کودتاجیان حادثه ساز شده اند. پس چرا و چگونه دانشگاه کلونه باران شد و به طور ۲ نفر از بهترین دوستان ما بزرگ نیا، قندچی و رضوی به شهادت رسیدند... واقعه ۱۶ آذر از آشفتن افغانا و وحشی برخوردار بود که سازمان جهانی دانشجویان (کوسک) این روز را بعنوان روز

جهانی دانشجو اعلام و همه ساله دانشجویان را به برگزاری هرچه گسترده تر گرامی داشت خاطره شهدای این روز دعوت کرد. (کیهان ۸ بهمین شهیدای ۱۶ آذر، روژ دانشجو، مسطفی بسزورگ نیا و مهدی شریعت رضوی، از دانشجویان توده ای و از اعضا کمیته مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات - که در او ان کودتای سال ۲۲ بخش بزرگی از جوانان و دانشجویان مرفقی را در صفوف خود متشکل ساخته بود - واحد قندچی دانشجو، هوادار دکتر مصدق بودند.

اما در تاریخ نویسی بورژوازی - و با زمختی ویژه اگر از نوع آخوندی آن باشد - وقایع و روندها بسادگی تغییر می یابد. در تاریخچه مزبور پس از اینگونه ذکر رویدادها، اعتصابات و حرکات اعتراضی دانشجویان پس از کودتا و واقعه ۱۶ آذر از "حرکت های سیاسی دانشجویان مسلمان" معرفی می گردد.

اصل سوم لنین، تلفیق انتقاد و کار عملی است. لنین در سال ۱۹۲۰ نوشت: "هر آن کسی که انتقاد می کند، باید... از طریق شرکت بلاواسطه خود در کار حزبی و شوروی، ثابت کند که چگونه می بایست خطای حزب و با این بی آن عضو حزب در عمل تصحیح شود." آنچه را که لنین در اینجا اینگونه به صورت قلعنامه ای بیان می دارد، حدود دودم پیش از آن نیز در یک نامه دوستانه به و. آ. زکوف چنین بیان داشته بود: "شما یک با به من گفتید، ایسکرائیست ها را سرزنش کنید! و من پاسخ دادم: این کار را من نباید بکنم، این کار شامت چرا که فقط آن کسی از حق انتقاد برخوردار است که عملا در عرصه کار حضور دارد و همه جزئیات آن را می شناسد." لنین در همان زمان (در نامه ای خطاب به ف. و. لنگینک) نظر خود را در مورد "شکایتنامه نویسان" چنین ابراز داشت: "فعالین محلی تلاشی به خرج نداده اند تا جزوات خوب را تهیه کنند... و همکاری نویسندگان محلی را با ایسکرا سازمان دهند. بجا بر این به چه خاطر؟ خیلی ساده است که آدم شکوه و شکایت کند به جای این که عهده دار یک کار پر زحمت باشد! امروزه قلان خواننده، بدون جنب حیا، خودش را ایسکرائیست می داند چرا که برای ایسکرا شکایتنامه نوشته است."

در اینجا منظور لنین این نیست که نباید به روزنامه ها شکایتنامه

نوشت. منظور لنین سه چیز است: نخست این که انتقاد باید سازنده باشد (صرفا مذمت نکن، راه نشان بده!)، ثانیاً باید تلاش کرد لطیف و سبتر، از فعالین محلی در امور حزبی شرکت داشته باشند، و ثالثاً باید درک مارکسیستی عمیقی از انتقاد به مثابه یک فعالیت عملی برای دگرگوشازی مناسبات اجتماعی و اقتصادی موجود داشت.

شکل گیری بلشویسم به مثابه یک جنبش سیاسی، تا حد زیادی مستقیماً منسول این نحوه برخورد اصولی به امر انتقاد بوده است. لنین، پس از انقلاب اکثر، نه فقط در رابطه با امور حزبی بلکه در زمینه فعالیت دولتی نیز، پیوسته بین انتقاد و فعالیت عملی را به مثابه وظیفه ای توصیف کرد که از طریق آن می توان توده های هر چه وسیعتری از وحتمتکشان را برای رهبری کردن دولت، جلب کرد.

لنین در نوامبر سال ۱۹۲۰ خطاب به کنفرانس حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در مسکو گفت: "کار سازنده واقعی - این است که درست انتقاد که باید سازنده باشد."

و بالاخره می رسیم به اصل چهارم: علنیت (گلاسنوست) و دموکراتیسم انتقاد. هر انتقاد راستین و هر دموکراسی راستین، باید از چنین خصایلی برخوردار باشد. بدون علنیت و شفافیت، نمی تواند از آفرینش گری دموکراتیک توده ها و از

مشارکت و حتمتکشان در رهبری، سخنی در میان باشد. لنین همواره شدیداً در برابر آن دسته از مسئولینی که می کوشیدند قسور و تقصیر خود در امور را پنهان کنند تا به و عم انبامورد بهره برداری دشمنان سوسیالیسم قرار بگیرد، واکنش نشان می داد. او بر آن بود که پوشاندن حقیقت و فقدان علنیت تنها به نفع آنانی است که کارکرد بد خود را از نظر ما مخفی می کنند. فقدان علنیت تنها به مدیریت بد میدان می دهد و مبنای سیاست دموکراتیک را زیر پا می نهد. از این نظر علنیت نه صرفاً یک مقوله تشکیلاتی، بلکه یک مقوله سیاسی است. وحتمتکشان باید در مورد همه مسائل و مشکلات موجود در تمام سطوح رهبری جامعه، آگاهی حاصل کنند، در مورد همه چیز به قضاوت بپردازند و از این امکان برخوردار باشند که نظر خود را ابراز دارند.

"روشنایی، روشنایی بیشتر!" چنین است فرمول فشرده و بیرمعنی لنینی علنیت.

سخن لنین امروز نیز همچون هر هنگام دیگری، حقایقیت دارد. البته در دهه های گذشته این گروه نبود که او لنین کم قتل قول شود، از زبان او شعار داده نشود و بر پرده های سیمای او رسم نگردد. اما روح لنینیسم کجا و یک جودگماتیک کجا.

سیم قرح بخش دگرگونی، جامعه ما را به فعالیت واداشته است.

امروزه ما بر آن نیستیم برای این که کردارمان لنینی باشد، سخنان بدیبه را تکرار کنیم. ما می خواهیم مستقلاً و انتقادی، بیندیشیم. اکنون انتقاد یکی از اجزای اساسی ساختمان سوسیالیسم و وسیله موثری برای زدودن دکامتیس است. در تاریخ دولت شوروی بعد از لنین، از این وسیله، آشکوه که شاید و باید، استفاده نشد. نتیجه این گردید که سیاست مبتنی بر جزئیات و اوامر شکل گرفت که به خسارهای اقتصادی، سیاسی و انسانی منجر شد.

انتقاد لنینی خلاق است، چرا که ضد جزئیات است، و نیز سازنده است، چرا که مبتنی بر زندگی است. همان بسیاری شعاری در زمینه انقلاب به مثابه فقدان آنچه که کهنه گشته است، در زمینه نقش تاریخی پرولتاریا در امر کنار افکندن بهره کشان و ستمگران و در مورد دیالکتیک به مثابه نقد چریان، از برداریم. این فرمولهای عام تفکر و عمل انقلابی کهنه شکسته اند (و کهنه نخواهند گردید، زیرا هر آن کسی که بخواهد جایگاه خود را در تاریخ و مفهوم تاریخی مبارزه و تلاش خود را درک کند باید بدان رجوع کند.) اما یک فرد معین با علایق و آماجهای خود ویژه اش، شاید همواره نتواند در این قواعد خوراک کافی برای اندیشه اش و مبناهایی مکفی برای کار عملیش پیدا کند. اصول لنینی انتقاد به ما یاری می رساند تا این مبناهای را خلق کنیم.

سخنرانی میخائیل گارباچف در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی: "پایبندی بی‌خداشه به مارکسیسم لنینیسم و مبارزه قاطع با میراث دکماتیک، بوروکراتیک و اراده‌گرایانه"

بقیه از صفحه آخر

دبیر کل حزب ضمن نطقی به برخی به‌واسطه ایدئولوژیک فوساوی که باید پیش او شوؤد همین کنفرانس سراسری حزب در ماه ژوئن بررسی بشوؤد، پرداخت.

گارباچف گفت: "پلنوم ما در مقطع حساسی او روند فوساوی بررسی می‌شود. نظر به دمکراتیزه شدن زندگی اجتماعی و اصلاحات رادیکال اقتصادی، حزب باید دورضای دقیقی برای عملکرد آتی خود داشته باشد. این است آن خط راه‌نمایی که دفتر سیاسی در تدوین طرح دستور کار کنفرانس فوساوی در برابر خود قرار داده است. این کنفرانس باید در زمینه کار استراتژیک حزب در مورد مسائل بسیاری تصمیم اتخاذ کند."

در ادامه فلق دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی آمده است: "تحولات، آگاهی و روان مردم، علائق و موضع آنها در جامعه و در کلکتیوهای کار را دربرمی‌گیرد. باید اطمینان داشت که بسیاری از مردم نیک سیرت نیز در گذشته به بی‌قانونی‌ها و کمبودها عادت کرده، در قبال این پدیده‌ها بی‌تفاوت شده و از فعالیت اجتماعی خود کاسته بودند. بسیاری، مفهوم اصلاحات آغاز شده را فوراً درک نکردند و در نتیجه نتوانستند که فوساوی، افق‌های جدید در برابر زندگی می‌کشاید، انسانها را اعتلا می‌بخشد، و در انطباق کامل با منافع مادی و معنوی آنهاست. فوساوی به حساب آنها می‌رسد که به مطابق با کار انجام شده خود و نه مطابق با حکم وجدان زندگی کرده و کار خود را به انجام داده‌اند، تا چه رسد به نقض کنندگان آشکار قوانین و اخلاقیات جامعه شوروی.

چنین است موقعیت سیاسی و ایدئولوژیکی که به نظر من ساده نیست و ما باید در آن عمل کنیم. حزب ناچار است اقلب، چه در تولید و چه در عرصه فکری، برای فوساوی مبارزه کند. بدیهی است این مبارزه شکل پیکار قهرآمیز طبقاتی را به خود نمی‌گیرد. اما رفقا، ما می‌بینیم که این مبارزه چه سخت است."

گارباچف افزود:

"بحث دافی درباره مواضع راه‌فوساوی جریان دارد. مردم از اینکه مصوبات راه‌نمای پلنوم‌های ژانویه و ژوئن کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش به کفندی و توأم با

مشکلات تحقق می‌یابند، نگرانند. برای شخصتین بار پس او دهها سال، شاهد شوئی پلورالیسم سوسیالیستی عقاید شده‌ایم. این هم، امری غیرعادی است و مورد ارزیابی واحدی نیست، بلکه مستلزم مطالعه، تحلیل و تدقیق است. اما ما باید در میان همه این پدیده‌ها، مهمترین نکته را ببینیم؛ افزایش حمایت مردم از سیاست فوساوی"

رهبر ح.ک.ا.ش تاکید کرد: "ما شاهد آنیم که بعضی‌ها دچار سردرگمی شده‌اند که آیا ما از مواضع سوسیالیسم منحرف نشده‌ایم، به خصوص وقتی اشکال نوین و غیرعادی تولید، زندگی اجتماعی را ابداع می‌کنیم؟ آیا ما خود آموزش مارکسیسم لنینیسم را مورد تجدید نظر قرار می‌دهیم؟ تعجبی ندارد که سرکله "مدافعان" مارکسیسم - لنینیسم و آنچه کنشان در "سوک" سوسیالیسم هم پیدا شده است که می‌گویند هم مارکسیسم لنینیسم و هم سوسیالیسم در خطرند."

در ادامه سخنان گارباچف آمده است:

"امروز این ارزیابی به کرسی نشسته است که فوساوی مرحله‌ای به لحاظ عیثی ضروری در رشد جامعه شوروی است که هدف آن، تحقق کیفیتی نوین است. ما باید تحولاتی اساسی در نیروهای مولده و مناسبات تولیدی، فوساوی انقلابی ساختارهای اجتماعی و سیاسی و رشد توان فکری و معنوی جامعه را تامین کنیم. ما می‌کشیم در شرایط حاضر، نظام اجتماعی را به صورت لینیستی آن احیا کنیم و آن را از اضافات و خدشه‌ها و از هر آنچه جامعه را فلج می‌کرد و مانع تحقق کامل و موثر توان بالقوه سوسیالیسم بود، پاک سازیم. مهمترین هدف ما رساندن جامعه سوسیالیستی به کیفیتی نوین، با در نظر گرفتن واقعیات جهان امروز است."

دبیر کل ح.ک.ا.ش در بخشی دیگر از سخنان خود گفت:

"در طول ۷۰ سال، حزب و خلق ما از افندیسه سوسیالیسم الهام گرفته و خارجی و داخلی موفق شدیم به حد کافی اصول لینیستی نظام نوین اجتماعی را تحقق بخشیم. کیش شخصیت، نظام مدیریت مبتنی بر دستور او بالا که در دهه ۲۰ شکل گرفت، اشهرافات بوروکراتیک،

اراده‌گرایانه، خودسری و فیؤ، در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، فقدان ابتکار و پدیده‌های ترمؤ کفنده که به رکود انجامیدند، مائعی جدی بر سر این راه شدند."

گارباچف افزود: "این پدیده‌ها و همه بقایای آنها که تا زمان ما مانده‌اند، باید برای همیشه اومیمان بروند. در اینجا به آشنایی نیز که ابرؤ تردید می‌کنند که مبادا او سوسیالیسم و مباحث آن - مباحثی ساخته شده توسط فسل‌های مردم شوروی - منحرف شویم، می‌گوییم نه! ما یک کام هم از سوسیالیسم، از مارکسیسم - لنینیسم و از هر آنچه خلق بدست آورده و ایجاد کرده است، منحرف نمی‌شویم. اما ما میراث دکماتیک، بوروکراتیک و اراده‌گرایانه قاطعانه مبارزه می‌کنیم، زیرا این میراث فربطی به مارکسیسم - لنینیسم دارد و نه به سوسیالیسم واقعی."

رهبر ح.ک.ا.ش در این رابطه به مسائل تاریخ تئوری پرداخت و بر این ضرورت تاکید کرد که "شیره زندگی و کار و عقاید مردم به دقت شکافته شود، فوشته شود که چگونه بیرونی‌ها و شکست‌ها، ابداعات و اشتباهات، پدیده‌های مسرت‌آور و رقم‌انگیز، شور انقلابی توده‌ها و نقش قانونیت سوسیالیستی و حتی جنایات باهم توأم شدند. این است تکرش علمی و ماتریالیستی به تاریخ، به مثابه شمه فعالیت توده‌های مردم. این است برداشت دیالکتیکی از تاریخ که عاری

نگاهی به چند

او یکجاشبه فکری است و در آن، تاریخ هم با همه تنوع، پیچیدگی و تناقض خود و بدون تاکید بیش از حد بر جنبه‌های جداگانه، مورد بررسی قرار می‌گیرد."

سخنران تاکید کرد: "باؤگتت به تاریخ ما تقیبا به انکیظه علاقه به دانستن گذشته نیست، بلکه برای کار امروز ما، برای حل مسائل فوساوی اهمیت حیاتی دارد."

در ادامه فلق گارباچف آمده است: "از لحاظ فکری، فوساوی تلاشی تعیین کننده برای باؤساوی اهمیت عظیم ارزشهای سوسیالیسم در چشم همگان است. مهمترین این ارزشها، سمت‌گیری در جهت منافع و حکمت‌شان است. باید فؤنگار بوروکراسی را از ارزشها و آرمانهای سوسیالیسم وود. این ارزشها باید او همه عناصر غیرانسانی که می‌رفت ناجای آنها را بگیرد، پاکسازی شوؤد. باید بهترین و خلاقانه‌ترین نیروهای انسانها را از او رشد معنوی آنها را تضمین کرد. ما بر اثر این واقعیت که نتوانستیم این خلاقیت و استقلال انسانها را به طور کامل گسترش بخشیم، لطمه بسیار خورده‌ایم و می‌خوریم. رشد خلاقیت و استقلال انسانها بؤرگترین، پیچیده‌ترین و مهمترین وظیفه فوساوی است. سوسیالیسم، جامعه‌ای از انسانهای دارای ابتکار است. اما خود سوسیالیسم نیز، بؤرگترین ابتکار تاریخ است."

تأمین‌کننده مواد لایحه مالیاتها، مستقیم، علیرغم نمای ظاهر، آن، محصول ورشکستگی اقتصادی حکومت، و عامل غارت مستقیم و غیرمستقیم توده‌هاست. مواد این لایحه حتی اگر در مورد برخی از صاحبان سرمایه نیز اعمال گردد، بهیچوجه عمومیت نخواهد یافت و صاحبان سرمایه در بافت اقتصادی حاکم، زبان وارده را به زبان توده‌ها جبران خواهند کرد. فشار مالی سیاستهای دولت بر دوش توده‌ها، هنوز رضایت برخی از مسئولین حکومتی را جاب کرده است. اسدالله بادامچیان مخبر کمیسیون امور اقتصاد و دارائی در مصاحبه با رسالت ۵ بهمن، اعلام کرده است که دولت علاوه بر مالیاتهای جاری و معمول باید "فکری کند که خمس و سهم امام و زکات و... هم وصول شود."!

"روزخشم" در فلسطین اشغالی



مزدوران صهیونیست در اردن غربی، انکشت بر روی ماشه

در روز سه شنبه هفته گذشته تظاهرات وسیعی در تمام مناطق اشغالی در گرفت. اعلامیه‌ای با امضای "کمیته سازمان‌یافته قیام ملی" این روز را "روزخشم" اعلام کرده بود. "روزخشم"، روز ابراهیم تغیر نسبت به زنده به گور کردن چهار فلسطینی از سوی سربازان اسرائیلی در اردن غربی بود. در روزهای بعد نیز تظاهرات ادامه یافت. در روز پنج شنبه، ۲۱ فلسطینی در رام الله و نابلس به توسط مزدوران صهیونیست، دستگیر شدند. در این روز رام الله و روستاهای مجاور آن به عنوان منطقه نظامی اعلام شد.

کارشکنی پاکستان در مذاکرات ژنو

عبدالصمد ظفر، سفیر افغانستان در دعای خود روز جمعه هفته گذشته (۱۹ فوریه) در نلی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که دولت مطبوع وی مطلقاً شرایط پاکستان برای امضای قرارداد صلح در ژنو را نخواهد پذیرفت. رژیم ژنرال ضیا الحق امضای قرارداد صلح را منوط به تشکیل یک حکومت ائتلافی در کابل با شرکت باندهای ضد انقلابی، اعلام کرده است. عبدالصمد ظفر، این شرط گذاری را "خنده وار" کردن بر استقلال افغانستان" توصیف کرد.

خبرهای کوتاه

* در روز دوشنبه ۹ فوریه هزاران بیکار در پارلمان انگلستان در لندن دست به تظاهرات زدند.

* دولت پرو حالت فوق العاده‌ای را که از دو سال پیش در لیما و بندر مجاور آن کالائو برقرار است، به مدت دوماه دیگر تمدید کرده است. هدف از تمدید حالت فوق العاده تداوم بخشیدن به جو حکومت نظامی و سرکوب شدن آشکار در کشور است.

* در هفته گذشته در تیرانا، مذاکره بین یوگسلاوی و آلبانی برای بستن یک قرارداد فرهنگی آغاز شد.

انگلستان و سلاحهای اتمی آمریکایی بیشتر

انگلستان استقرار دارند. مارکارت ناچر هدف از افزودن بر تعداد این نوع بمب افکن‌ها را پر کردن خنلا' موشکهای کروژ و پرشینک - که طبق قرارداد واشینگتن برچیده خواهد شد - اعلام کرده است. بعد از قرارداد واشینگتن، که به امضای میخائیل گابریلوف و ریگان رسید، ناتو فوراً در صدد برآمد که به جای موشکهای اتمی برد متوسط مستقر در اروپای غربی، سلاحهای اتمی دیگر مستقر کند.

هفته نامه "ساندی تایمز" چاپ لندن، در شماره هفته گذشته خود نوشت که مارکارت ناچر شخت وزیر انگلستان، خواهان استقرار تعداد بیشتری سلاحهای اتمی آمریکایی در خاک این کشور است. مارکارت ناچر بر آن است تا بمب افکنهای آمریکایی نوع اف-۱۱۱ مستقر در انگلستان را ۶۰ فروند، افزایش دهد. در حال حاضر ۱۵۰ فروند از این نوع بمب افکن که قادر به حمل بمبهای اتمی است، در خاک

موجی از اعتصاب در پرتغال

کشتی رانی در اعتصابات هفته گذشته شرکت داشتند. روز چهارشنبه با اعتصاب ۱۰۰۰ نفر از کارکنان راه آهن حرکت اعتصابی زمینکشان ابعاد تازه‌ای یافت. خواسته همه شرکت کنندگان در اعتصابات هفته گذشته انعقاد قراردادهای جمعی تازه و افزایش دستمزدهاست.

سیاست دولت محافظه کار سیلوا مینی بر کاهش دستمزدها، پاسخ دندان شکنی از زمینکشان پرتغالی گرفت. هفته گذشته، هفته اعتصابات گسترده در پرتغال بود. کارگران کارخانه‌های آهن و فولاد، کارکنان مترو، کارکنان پست، کارکنان خبرگزاری دولتی، کارکنان راه آهن، کارکنان برق و کارکنان

موفقیت‌های نظامی تازه اف.ام.ال.ان

سر کوبخ در وارته مقدم گردید. ارتش دوارته عملیات تازه‌ای با عنوان "فغوس ۱۴" علیه چریکهای اف.ام.ال.ان آغاز کرده است. نتایج تازه با مقاومت قهرمانانه رژیمدگان مواجه شده و موفقیتی برای رژیم به بار نیاورده است. اولین حمله وسیع رژیم به یکی از مقالق تمرکز چریکها در آغاز فوریه منجر به کشته شدن ۵۰ مزدور گردید.

رادبو "وشرموس"، رادیوی جبهه آزادی بخش فارابو و مارتی (اف.ام.ال.ان) خبر داد که در روز سه شنبه هفته گذشته (۱۵ فوریه) رژیم آوران این جبهه یک کشتی جنگی رژیم دوارته را منهدم ساختند و در جریان حمله ۶ مزدور را از پا در آوردند. دو هفته پیش در جریان یک حمله دیگر ۱۳۰ مزدور به هلاکت رسیده بودند. در جریان یکی از حملات دو هفته پیش یک ایستگاه مخابراتی نیروهای

آفریقای جنوبی؛ ۹۰۰۰ مورد دستگیری در یک سال

نژادپرستان نیز به شکنجه و کشتار مشغولند. در آغاز ماه فوریه یک دانشجوی ۱۸ ساله سیاهپوست به نام سیسلو دلمو اوسوی "جوخه‌های مرگ" ترور شد. او در سال ۱۹۸۶ در زندان بود و از این ترور شد که در زمینه شکنجه و کشتار در زندانهای آفریقای جنوبی گزارش را در اختیار روزنامه نگاران قرار داده بود.

عکس زیر صفحه‌ای از مراسم به خاک سپاری سیسلو دلمو را نشان می‌دهد.

در هفته گذشته "کمیته دفاع از خانواده‌های زندانیان سیاسی" در آفریقای جنوبی گزارش مفصلی در زمینه نقض حقوق بشر از سوی رژیم نژاد پرست پرتوریا، انتشار داد. در این گزارش آمده است که در سال گذشته ۹۰۰۰ نفر، بدون این که به دادگاهی فرستاده شوند، به زندان افکنده شده‌اند، ۶ نفر در جریان بازجویی زیر شکنجه کشته شده و ۵ نفر به دلیل سیاسی اعدام شده‌اند. در کنار بایس و ارتش، "جوخه‌های مرگ"



بمناسبت سالگرد کشتار وحشیانه رهبران خلق ترکمن

آی تو ما ج، خونت شراره...

شوروی اصفهانی بچه خیلی خوبی بود که به دست همین گروهکها در خیابانهای تهران به درجه شهادت رسید - آقای بفقشه رئیس سپاه پاسداران ایلام اگر شهید شده باشد - وجه بگویم برای شما آقای هاشمی - حاج احمد آقا شخص حضرت امام - خود آقای مغنظری همه مسئولین - آقای دکتر بهشتی و آقای قدوسی. کیست که نداند این جریانات را؟ همه می دانستند. آقای رفیق دوست هم می داند. ۹۴ نفر منجمه تو ما ج - واحدی - مختوم - چرجانی، ایضا زابنده اعدام کردم، ۹۴ نفر را اعدام کردم بیگانه نفر... من با قاطعیت اسلامی در کنگهد وارد جریان شدم و خلق ترکمن را در آنجا کوبیدم... من ایضا را اولین بار فیست که گفته باشم، ولی در جریان اولین بار است منتشر می شود... می گویند قتل قتل عمدی بوده. بلکه که عمدی بوده. بقیه در صفحه ۷

"۶ نفر را محکوم به اعدام کردم آنوقت اوضاع آرام شد... من ۹ نفر را محکوم به اعدام کردم. آنها را اعدام کردیم و آب از آب تکان نخورد... در سردشت و پاشه و تمام کردستان ما حاکم داشتیم... ما مثل اجل معلق سر می رسیدیم... هر کسی را بگیریم در دستش اسلحه بوده باشد، خکش اعدام است... من با قاطعیت در کنگهد وارد شدم و یکی از کارهای برجسته و انقلابی ام در کنگهد بود... ما دستور دادیم هر کسی را که مسلح باشد بیاورند که آوردند یکی، دو تا، سه تا، بیفت تا، هر کسی را که مسلح آوردند ما اعدام کردیم. این جریان را که می گویم شامه زنده داریم، آقای مصحف استاندار آن زمان ماژندران - آقای دادستان آن زمان ماژندران، دادستان کل و آقای درویش رئیس سپاه پاسداران کنگهد - آقای دراز کیسو که چندی پیش سفیر جمهوری اسلامی ایران در آلمان شرقی بود - آقای

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر بستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط اروپا	۱۱ مارک	۱۳ مارک	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/>	شش ماهه
دیگر نقاط اروپا	۲۱	۲۴	نشریه «کار»	<input type="checkbox"/>	یک ساله
دیگر نقاط اروپا	۲۷ مارک	۳۰ مارک	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/>	سه ماهه
دیگر نقاط اروپا	۵۲	۵۸	نشریه «اکثريت»	<input type="checkbox"/>	شش ماهه
دیگر نقاط اروپا	۱۰۲	۱۱۵		<input type="checkbox"/>	یک ساله

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.196

MONDAY, 22 FEB, 88

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR.GERTHAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

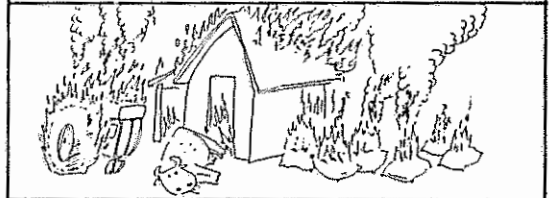
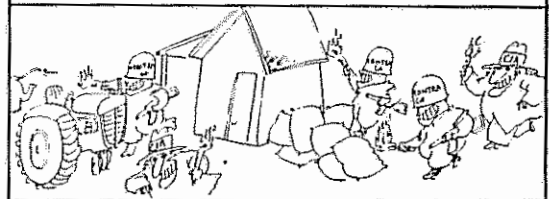
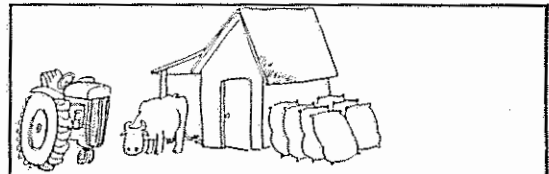
سخنرانی میخائیل گارباچف در

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در هفته گذشته پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ا.ش) که بررسی اصلاحات نظام آموزشی این کشور در دستور کار آن قرار داشت، تشکیل شد. یکور لیکچرف، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی در آغاز این پلنوم طی سخنانی اظهار داشت هدف از اصلاحات در نظام آموزشی، حداکثر بهره گیری از توان و برتری های سوسیالیسم و رساندن مدارس شوروی به عالی ترین سطح است. پلنوم، مصوبه ای در مورد انجام اصلاحات در مدارس متوسطه و عالی گذراند. در پلنوم، بیوری ماسلیورکف و کلورکی راسومفسکی به عنوان اعضای علی البدل دفتر سیاسی برگزیده شدند. برکنار شدن او انجام وظیفه به عنوان عضو علی البدل دفتر سیاسی معاف شد. در پلنوم، میخائیل گارباچف بقیه در صفحه ۱

تمهیدات اقتصادی تازه در نیکاراگوئه

دانیل اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوئه در روز یکشنبه ۸ فوریه تمهیدات تازه ای را برای بهبود وضع اقتصادی کشور اعلام کرد. هدف از تمهیدات تازه، مقابله با بی آمدن های اقتصادی، تهاجمات نیروهای ضد انقلابی و بهبود زندگی زحمتکشان است. حملات نیروهای ضد انقلابی و بهبود زندگی زحمتکشان است. حملات نیروهای ضد انقلابی از سال ۱۹۸۱ تا کنون منجر به ۲/۸ میلیارد دلار خسارت اقتصادی در نیکاراگوئه شده است.



طرح از روزنامه مورنیگ استار